

ORIGINAL ARTICLE

Reflecting the status of Indian pilgrims to the shrine of Imam Reza during the Qajar era in the Astan Quds Razavi documents

Jamshid Noroozi^{1*}, Narges Khazaei², Zahra Fatemi Moghadam³

1Faculty of Literature, AlZahra University, Tehran, Iran.

2Ph.D. student of Iranian Islamic History, Faculty of Literature, AlZahra University, Tehran, Iran

3Ph.D. student of Iran Islamic History, Ferdowsi University of Mashhad, mashhad, iran.

Correspondence

Jamshid Noroozi
Email: J.noroozi@alzahra.ac.ir

ABSTRACT

The cultural and religious relations of some Iranian cities and regions with the Muslims and Shiites of neighboring countries such as Indian subcontinent are among the important issues related to the local history of Iran. Due to the influence of Iranian cultural in India and the presence of Shiites, Sufis and Sadats who were interested in Imam Reza in this region, during the Qajar period, as in the Safavid era, many Indian pilgrims were traveling to Mashhad. They were from various social groups, including Sadat and Sufis and occasionally encountered problems. To explain their situation and present and resolve their problems, they used the customary method of writing a petition to the Astan Quds Razavi guardians during their long journey and stay in Mashhad. These petitions which are preserved in the Astan Quds document center, reflect the situation of these Indian pilgrims and provide valuable information about their problems, as well as how the Astan Quds guardians interact with them and support them. The current study, using a historical method and a descriptive-analytical approach based on the documents of Astan Quds Razavi, aimed to provide answer to these questions that what problems the Indian pilgrims who traveled to Mashhad during the Qajar era were encountered? What solution did they mainly resort to reduce them? What interactions and supportive acts did the Astan Quds Razavi guardians have with these Indian pilgrims? The findings indicate that the Indian pilgrims who traveled to Mashhad from various regions of Indian subcontinent experienced a variety of problems including illness, property, theft, and the inability to earn a living. These trapped pilgrims using the pilgrimage atmosphere of this city and the long-standing practice of Astan Quds' support, turned to the Astan Quds guardians to find a solution for their problems. Due to the age of writing a petition of stranded pilgrims and the allocation of significant financial resources and endowments for support them, the Astan Quds guardians and officials considered various support measures, including cash and non-monetary aid after studying their petitions and the situation and problems, sometimes by influencing the social base of the pilgrims and the way of expressing the problems in the petitions, gave more attention to some pilgrims, especially Sadat. .

KEYWORDS

Pilgrims, Indian subcontinent, Qajar, Imam Reza (PBUH) Holy Shrine, Mashhad, Astan Quds Razavi documents.

How to cite

Noroozi, J., Khazaei, N., & Fatemi Moghadam, Z. (2023-2024). Reflecting the status of Indian pilgrims to the Holy Shrine of Imam Reza (PBUH) during the Qajar era in the Astan Quds Razavi documents. *Iran Local Histories*, 12(1), 13-32.

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

بازتاب وضعیت زوار هندی حرم امام رضا (ع) در دوره قاجاریه در اسناد آستان قدس رضوی

جمشید نوروزی^{۱*}، نرگس خزاعی^۲، زهرا فاطمی مقدم^۳

چکیده

از جمله موضوعات مهم مرتبط با تاریخ محلی ایران، روابط فرهنگی و مذهبی برخی شهرها و مناطق ایران با مسلمانان و شیعیان ممالک همسایه مانند شبه‌قاره‌ی هند است. با توجه به نفوذ فرهنگی ایران در هند و حضور شیعیان و صوفیان و سادات علاقه‌مند به امام رضا (ع) در این سرزمین، در دوره‌ی قاجاریه همانند عهد صفویه، شاهد سفر شماری از زوار هندی به مشهد هستیم. زوار هندی که از گروه‌های مختلف اجتماعی مانند سادات و صوفیان بودند و بعضاً در ضمن این سفر طولانی و ایام اقامت در مشهد با مشکلاتی مواجه بودند، از راهکار مرسوم عریضه‌نویسی به متولیان آستان قدس برای بیان وضعیت خود و طرح مشکلات خویش و نیز مرتفع ساختن آن‌ها بهره می‌بردند. این عریضه‌ها که در مرکز اسناد آستان قدس نگهداری می‌شود، بازتاب‌دهنده‌ی وضعیت این زوار هندی و حاوی اطلاعات ارزنده درباره‌ی مشکلات آنان و نیز چگونگی تعامل متولیان آستان قدس با زوار هندی و نحوه‌ی حمایت از آن‌ها است. این پژوهش که با روش تاریخی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مندرجات اسناد آستان قدس رضوی انجام گرفته، درصدد پاسخ به این سؤالات است که زوار هندی که در دوره‌ی قاجاریه به مشهد سفر می‌کردند، با چه مشکلاتی روبرو بودند و برای کاستن از این گرفتاری‌ها، عمدتاً به چه راهکاری متوسل می‌شدند؟ همچنین، نحوه‌ی تعامل و اقدامات حمایتی متولیان آستان قدس رضوی با این زوار چگونه بوده است؟ یافته‌های پژوهش گویای آن است که زوار هندی که از مناطق مختلف شبه‌قاره‌ی هند راهی مشهد می‌شدند، با مشکلات مختلفی چون بیماری، سرقت اموال و ناتوانی تأمین معاش مواجه بودند. آنان با بهره‌گیری از فضای زیارتی این شهر و رویه‌ی دیرینه و مرسوم حمایت آستان قدس از زوار، برای چاره‌جویی مشکلات خویش به عریضه‌نویسی به متولیان آستان قدس روی می‌آوردند. به‌دلیل قدمت رویه‌ی عریضه‌نویسی زوار گرفتار و اختصاص منابع مالی و موقوفات قابل توجه برای حمایت از آنان، متولیان و صاحب‌منصبان آستان قدس بعد از بررسی عریضه‌های زوار هندی، اقدامات مختلف حمایتی اعم از کمک نقدی و غیرنقدی برای آن‌ها در نظر می‌گرفتند و در بررسی وضعیت و مشکلات آنان و تعیین نوع و میزان حمایت، گاه به‌واسطه‌ی تأثیرپذیری از پایگاه اجتماعی زوار و نحوه‌ی بیان مشکلات در عریضه‌ها، عنایت بیشتری به برخی زوار خاصه سادات داشتند.

واژه‌های کلیدی

زوار، شبه‌قاره هند، قاجاریه، حرم امام رضا (ع)، مشهد، اسناد آستان قدس رضوی.

^۱گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
^۲دانشجوی: دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
^۳ دانشجوی: دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

نویسنده مسئول:

جمشید نوروزی

رایانامه: J.noroozi@alzahra.ac.ir

استناد به این مقاله:

نوروزی، جمشید؛ خزاعی، نرگس و فاطمی مقدم، زهرا (۱۴۰۲). بازتاب وضعیت زوار هندی حرم امام رضا (ع) در دوره قاجاریه در اسناد آستان قدس رضوی. دوفصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۲(۱)، ۱۳-۳۲.

۳۰۰۰ زوار هستند که همه‌ساله برای زیارت مرقد امام رضا به این شهر می‌آیند» (بیت، ۱۳۶۵: ۳۰۷).

به این ترتیب، حرم رضوی در قرون گذشته، پذیرای زواری از نقاط مختلف جهان بوده است. از جمله زوار غیر ایرانی حرم امام رضا(ع)، از دوره صفوی به بعد، شیعیان هندی بودند که تعداد و وضعیت آنان متأثر از شرایط سیاسی، اقتصادی و مذهبی ایران و شبه‌قاره هند است. هرچند که عصر طلایی روابط ایران و هند دوره صفویه بود، اما مناسبات حکام و مراودات مردمان این دو سرزمین در دوران بعد برقرار ماند. از جمله شواهد معتبر برای استمرار این تماس‌ها، حضور قابل توجه زوار هندی در مشهد در دوره قاجاریه است. به‌نوشته پولاک^۲ که در ۱۲۶۷ ق در ایران بوده، «زائران زیادی از هندوستان، مصر، قفقاز به کربلا و مشهد می‌روند» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۰-۳۱۲). این قبیل اطلاعات پیرامون زوار هندی مشهد در کتاب‌ها و سفرنامه‌ها آن قدر اندک و پراکنده هستند که مراجعه به منابع دیگر خاصه اسناد مراکز آرشیوی را به یک ضرورت تبدیل می‌نماید. در میان این مراکز اسنادی، اسناد آستان قدس رضوی، به دلیل ارتباط نزدیک با موضوع و آگاهی‌های قابل توجهی که از وضعیت زائران هندی تبار حرم امام هشتم ارائه می‌کند، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به‌واقع اطلاعات این قبیل اسناد، از حیث کمک به تدوین گوشه‌ای از تاریخ محلی ایران و بازسازی چگونگی روابط فرهنگی و مذهبی برخی شهرها و مناطق ایران با مسلمانان و شیعیان ممالک همسایه اهمیت ویژه دارد.

این مقاله بر آن است که با رویکرد توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر مندرجات اسناد دوره قاجاریه مرکز اسناد آستان قدس رضوی، آگاهی‌های جدیدی پیرامون وضعیت زوار هندی مشهد در دوره قاجاریه ارائه نماید. با توجه به محتوای این اسناد، این سؤالات مطرح می‌گردد: گوناگونی جمعیت زوار هندی مشهد در این دوره چگونه بوده و مشکلات آنان شامل چه مواردی است؟ تعامل متولیان آستان قدس رضوی با زوار هندی این دوره چگونه و تدابیر متولیان برای رسیدگی به مشکلات این زوار شامل چه مواردی است؟

در میان نزدیک به ششصد هزار برگ سند دوره قاجاریه مرکز اسناد آستان قدس رضوی، بیش از ۴۰۰ صفحه سند دارای اطلاعاتی در موضوع زوار هندی حرم امام رضا(ع) است. عمده این سندها، به خط دیوانی و روی کاغذ فرنگی نگاشته شده‌اند. اما قطع این کاغذها، بر حسب نوع سند، متفاوت است. اسناد آستان قدس

مشهد از قرن سوم قمری به بعد، میزبان افرادی بوده که برای زیارت حرم امام هشتم شیعیان، به این شهر می‌آمده‌اند. با قدرت‌یابی صفویان و اهتمام آنان در رسمیت تشیع در ایران، توسعه بارگاه امام رضا (ع)، ترویج سفر زیارتی به مشهد و شکل‌گیری تشکیلات اداری آستان قدس رضوی، بر شمار زائران رضوی افزوده شد. از دیگر عوامل مؤثر در گسترش این سفرهای زیارتی، اختصاص بودجه و موقوفات برای ایجاد امکانات اقامتی و درمانی و رفاهی زوار حرم مطهر رضوی بود. همچنین، توجه به امنیت خراسان و بهبود راه‌های منتهی به مشهد و ساخت برخی کاروانسراها و آب‌انبارها در مسیر این راه‌ها، از دیگر دلایل افزایش تعداد زائران است. بعد از صفویه، به‌واسطه توجه خاص سلسله افشاریه به خراسان و سپس تلاش سلاطین قاجاریه به تعقیب سیاست مذهبی صفویان، روند رونق مشهد و تردد زائران کمابیش برقرار ماند.

در دوران مورد اشاره، علاوه بر زوار ایرانی، شیعیانی از دیگر نقاط جهان به زیارت امام رضا(ع) نائل می‌شدند. این زوار خارجی، از قومیت‌های گوناگونی چون اعراب جبل عاملی، اعراب عراقی، شیعیان منطقه قفقاز، افغانی‌ها و هندی‌ها بودند. تصمیم برخی از این مسافران غیر ایرانی به اقامت در مشهد، سبب ایجاد ترکیب جمعیتی ناهمگون این شهر شده است. یک سیاح روسی که در سال ۱۲۳۶ ق در ایران بود، درباره دشواری برآورد تعداد زوار مشهد، می‌نویسد: «تعیین تعداد دقیق زائرانی که هر ساله به مشهد سفر می‌کنند، به علت تغییر این رقم در هر سال و نیز آزادی فوق‌العاده زائران در ورود به این شهر و خروج از آن، بی آن که در هیچ دفاتر رسمی اثری از آن برجای بماند، غیرممکن است، اما اگر آنچه برایم گفته شده است درست باشد، هر روز در آشپزخانه‌های حضرتی ۱۵۰ باتمن مشهد یعنی حدود ۷۵۰ کیلو برنج پخته میان زائران مستحق توزیع می‌شود، می‌توان گمان برد که میزان نوسان ورود و خروج زائران بیش از ۵۰ هزار نفر در سال است، و جمعیت ثابت شهر مشهد از ۶۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کند» (خانیکوف^۱، بی تا: ۱۱۱-۱۱۲). به‌واسطه تأثیر ترددهای زوار ایرانی و خارجی بر جمعیت مشهد، سیاح انگلیسی که در سال ۱۲۷۱ ق در این شهر بوده، آورده که «مشهد یک نژاد خالص و دست‌نخورده و مختص به خود ندارد، قبایل و مردم مختلفی در آن با یکدیگر درآمیخته و جمعیت فعلی آن را تشکیل داده‌اند. از این عده، به‌طور متوسط

پیرامون زوار هندی، همه‌سال‌های حکومت قاجاریه را پوشش نمی‌دهد؛ از دهه‌های نخست تا ۱۲۵۰ ق و نیز از چند سال آخر قاجاریه (از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ ق)، سندی به دست نیامد. در بین اسناد سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۳۳۹ ق، شمار قابل توجهی سند به دوره ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق) اختصاص دارد. دامنه اطلاعاتی اسناد فوق، بیشتر در خصوص درخواست‌های زوار از متولی‌باشی آستان و در قالب اسنادی با عنوان «عریضه» و پاسخ متولی‌باشی به درخواست‌های آن‌ها است. شماری از این اسناد نیز، اوراق مالی مربوط به هزینه‌های جاری آستان است که از لابلای آن اطلاعاتی در مورد زوار هندی استخراج گردید. به نظر می‌رسد، عریضه‌هایی که زوار هندی می‌نوشتند عمدتاً توسط افرادی نگاشته شدند که در حرم حضور داشته و شغلشان «عریضه‌نویس» (ساکماق، ۱/۱۹۴۹)، «عریضه‌چی» (ساکماق، ۱/۱۳۶۵۶) و یا «عریضه تمام کن» (ساکماق، ۱/۶۳۲۵۸) بوده است. اشاره به ندانستن زبان فارسی زائر در برخی اسناد (ساکماق، ۱۷/۲۳۷۹۳ و ۱۵/۲۴۰۴۲)، سنت وجود «عریضه‌نویس» در حرم را تقویت می‌کند. تنها در یک مورد، فرد عارض که یک شاعر هندی بوده، عریضه‌اش را شخصاً نوشته و تقدیم متولی‌باشی آستان می‌کند (ساکماق، ۱/۶۲۱۷۶).

پیشینه تحقیق

با وجود برخی پژوهش‌ها که حاوی مطالبی درباره زوار حرم امام رضا (ع) در دوره قاجاریه هستند، اما مقاله یا کتابی با رویکرد مقاله حاضر پیرامون این موضوع منتشر نشده است. از جمله این پژوهش‌ها، کتاب یکصد و سیزده سند از روابط فرهنگی و تجاری ایران و هند؛ ۱۲۸۹-۱۳۲۹ است که به روابط فرهنگی و تجاری دو سرزمین از دوره احمدشاه قاجار تا محمدرضا پهلوی پرداخته؛ اسدالله عبدلی آشتیانی این اثر (۱۳۹۲) را، با تکیه بر اسناد مجلس شورای ملی تدوین کرده و اسناد آستان قدس رضوی، بررسی نشده است. کتاب اسنادی از روابط ایران و هند در دوره مظفرالدین شاه قاجار» به کوشش احمدجلالی (۱۳۷۶)، اسناد قابل توجهی را ارائه می‌کند اما به زائران هندی در مشهد اشاره‌ای نداشته است. کتاب گروه‌های مهاجر به مشهد از صفویه تاکنون از علی تجف زاده (۱۳۹۲)، به اختصار اطلاعاتی را درباره زائران هندی عرضه می‌کند. کتاب زیارت و زائران مشهدالرضا (آستان قدس رضوی در دوره قاجار) از حسن امیرزاده گرو (۱۳۹۳)، ضمن پرداختن به پراکندگی جغرافیایی زوار، به صورت گذرا به زوار هندی اشاره داشته است. ایشان، در

مقاله «اسنادی از کمک‌های مالی به زائران مسلمان شبه‌قاره هند در مشهد در دوران قاجار» (۱۳۹۱)، بر مبنای تعداد اندکی از اسناد و بسیار مختصر، به پیشینه حضور زائران هندی در مشهد در دوران صفویه، افشاریه و قاجاریه اشاره می‌کند. همچنین وی در مقاله «سیمای زیارت و دشواری‌های آن در دوران قاجار از نگاه جهانگردان» (۱۳۹۲)، به صورت کلی به دشواری‌های موجود در مسیرهای حرکت زائران به مشهد پرداخته است. مقاله «بررسی اسناد کمک‌های مالی آستان قدس به زائران ایرانی در دوره قاجار با استفاده از روش تحلیل محتوا» از حمید ژیان‌پور (۱۳۹۴)، بر مبنای چند سند، تنها به بررسی کمک‌های ارائه شده به زوار ایرانی در فاصله سال‌های ۱۲۶۴ تا ۱۳۰۰ هجری قمری پرداخته است. مقاله «موانع و مشکلات حمل‌ونقل شیعیان هند به مشهد در اواخر دوره قاجار» از جمشید نوروزی و فاطمه معزی (۱۳۹۶)، دشواری‌های حمل‌ونقل شیعیان هندی را با توجه به اسناد وزارت امور خارجه بررسی کرده و به اسناد آستان قدس مراجعه نداشته است. مقاله «زائران و مجاوران هندی در مشهد در دوره قاجار و پهلوی» از علی نجف‌زاده و جواد عباسی (۱۳۹۶)، بر مبنای مراجعه به منابع غیر سندی و تعدادی سند، به ارائه گوشه‌هایی از موضوع مقاله در این دو دوره پرداخته است. نویسندگان مقاله حاضر با مد نظر قرار دادن کمیت و کیفیت کارهای فوق‌الذکر و آگاهی از وجود خلاء پژوهشی، تلاش دارند تا با بهره‌گیری کامل از اسناد مربوط به زوار هندی موجود در مرکز اسناد آستان قدس، به بیان عمده اطلاعات این اسناد و بررسی وضعیت زوار هندی و مشکلات آن‌ها در طی حکومت قاجاریه بپردازند. با توجه به این امر و نیز انتظار نهفته در عنوان مقاله، مراجعه به منابع غیرسندی، محدود به مواردی شده که به تبیین مندرجات اسناد مدد رسانده است.

پیشینه حضور زوار هندی در مشهد، افزایش زوار در عهد قاجاریه

با توجه به ارادت شیعیان و برخی گروه‌های صوفی به امامان شیعه و قدمت حضور این دو گروه در شبه‌قاره هند، به نظر می‌رسد قبل از صفویه، تعدادی مسلمان هندی به زیارت بارگاه امام رضا (ع) آمده‌اند. قدیمی‌ترین اسناد آستان قدس درباره حضور زائران هندی در مشهد، مربوط به دوره صفویه است که از جمله آن‌ها، اسناد مربوط به حضور چند شاهزاده هندی است (ساکماق، ۲۱/۳۴۹۷۷).

بی‌ترتیب نامرتبی یافتیم که هندی بودند و برای زیارت از بنگال آمده و راهی مشهد بودند» (لندور، ۱۳۸۸: ۳۷۰). در برخی از عریضه‌های زوار هندی نیز به این موضوع اشاره شده است (ساکماق، ۲/۲۳۵۰ و ۳/۲۴۶۷۴)؛ به عنوان نمونه در یک سند که به سال ۱۳۰۶ ق مربوط است، به سفر یک کاروان از زوار هندی اشاره شده که بیست و پنج نفر بودند (ساکماق، ۱۲/۲۴۱۷۰).

مقایسه تعداد زوار هندی مشهد

به منظور بررسی و مقایسه تعداد زوار هندی حرم، اسناد مربوط به این موضوع در دو مقطع زمانی دسته‌بندی شد. به دلیل نیافتن سند از این موضوع تا ۱۲۵۰ ق و نیز هشت سال آخر قاجاریه، مقطع نخست/دوره اول به سال‌های ۱۲۵۰-۱۳۱۳ ق و مقطع دوم/دوره دوم به سال‌های ۱۳۱۴-۱۳۳۶ ق اختصاص یافت. به دلیل نبودن اطلاعات دقیق آماری از زوار مشهد در دوره قاجاریه، بر مبنای اطلاعات استخراج شده از اسناد، به تعیین تعداد زوار هر دوره و سپس ترسیم نمودارهای مربوط اقدام شده است. بدیهی است که اطلاعات این مقاله و آمارهای ارائه شده، صرفاً به آن گروه از زوار هندی اختصاص دارد که به متولیان آستان، نامه‌نگاری کرده و خواسته‌ای مطرح کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، آن دسته از زوار هندی مشهد که درخواستی از متولیان آستان نداشته، تعدادشان نامشخص و وضعیت آن‌ها قابل رصد نیست.

بررسی مندرجات اسناد آستان قدس، نشان می‌دهد که تعداد زوار هندی مشهد در سال‌های حکومت، متفاوت است. بر اساس اطلاعات این اسناد، در مجموع در این دوره، ۳۶۳ نفر زائر وارد مشهد شده‌اند. مقایسه میان دو دوره زمانی مفروض شده فوق‌الذکر، مشخص می‌کند که آمار حضور زوار هندی در دوره اول، ۲۴۲ زائر یعنی ۶۶ درصد است (نمودار ۱). در تأمل روی تفاوت تعداد و درصد زوار هندی مشهد در دو دوره اول و دوم، باید به طول مدت این دو دوره هم توجه کافی نمود؛ طول دوره اول، ۶۳ سال است؛ در حالی که طول دوره دوم، کمتر از نصف مدت دوره اول یعنی ۲۲ سال را در بر می‌گیرد.

در اسناد دوره افشاریه، اشاره‌ای به حضور زوار هندی نمی‌شود؛ علت این امر را باید در مواردی چون اوضاع سیاسی ایران و هند، تنش‌های سیاسی بین حکام ایران و هند، وضعیت شیعیان شبه‌قاره هند، و نیز ایجاد مانع جدید در تردد زمینی زائران هندی به دنبال پیدایی حکومت سنی مذهب احمدشاه درآنی و جانشینانش/سدوزایی‌ها (۱۱۶۰-۱۲۵۸ ق) در شرق خراسان و غرب هند جستجو کرد.

جستجو در اسناد برای یافتن شواهدی مبنی بر حضور زوار هندی در مشهد در چهار دهه نخست حکومت بی‌نتیجه بود. به نظر می‌رسد در اوایل قاجاریه، دلایلی مانند درگیری قاجارها با مشکل تأسیس و تثبیت حکومت، جنگ‌های ایران و روسیه، نابسامانی اوضاع خراسان و شورش خوانین محلی و نیز بی‌کفایتی صاحب‌منصبان آستان قدس رضوی (نقدی، ۱۳۹۹: ۶۳)، باعث کاهش ورود زوار به مشهد گردید. این کاهش زوار، از طریق مقایسه رقم کلی اسناد مربوط به زوار ایرانی و غیر ایرانی مرکز اسناد آستان قدس در چند دهه حکومت قاجاریه هم قابل تأیید است؛ به گونه‌ای که تعداد اسناد مربوط به ۱۲۱۰ ق تا ۱۲۶۳ ق، بالغ بر ۱۳۸ پرونده است، در حالی که این تعداد در دوره زمانی ۱۲۶۴ ق تا ۱۳۰۰ ق، بیش از ۸۰۰ پرونده و در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ ق الی ۱۳۴۴ ق، بیش از ۲۸۲۸ پرونده است.

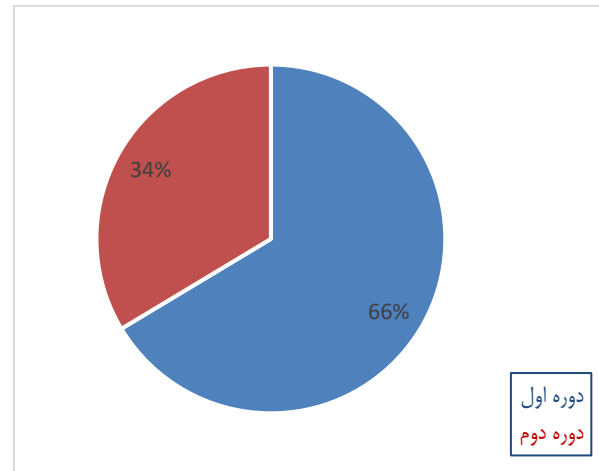
به تدریج، به واسطه کمک‌های مالی برخی شاهان قاجاریه به حرم امام رضا و احداث برخی بناها در فضای حرم (هدایت، ۱۳۸۰: ۵۹۱/۹) و نیز انتخاب متولیان مقتدر و شایسته، اوضاع آستان قدس سر و سامان پیدا کرد (نقدی، ۱۳۹۹: ۶۴). این دلایل، در کنار بهبود نسبی شرایط سیاسی و اقتصادی خراسان و ایران خاصه در عهد ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق) و نیز برقراری امنیت پایدار در راه‌ها، سبب افزایش تعداد زوار ایرانی و غیر ایرانی شد. کرزن^۱ در سال ۱۲۶۸ ق، از تنوع قومی و حضور زوار غیر ایرانی در مشهد از جمله هندی‌ها یاد کرده است (کرزن، ۱۳۴۹، ۳۴۷). یک سیاح ژاپنی که در سال ۱۲۸۴ ق به ایران آمده، ادعا کرده که سالانه یکصد هزار زائر از عثمانی و هند به مشهد می‌آیند و هر روز، حداقل هفت-هشت هزار زائر در مشهد حضور دارند (سوزوکی، ۱۳۹۳: ۶۳).

در کنار زوار هندی که به صورت انفرادی به مشهد سفر می‌کردند (ساکماق، ۱/۴۰۳۱۲ - ۱/۱۴۱۷۵)، لندور^۲ به سفر گروهی آن‌ها نیز اشاره داشته و می‌نویسد: «یک گروه سیاه پوست

زوار هندی مشهد در عهد شاهان سوم و چهارم قاجاریه، قابل رصد است.

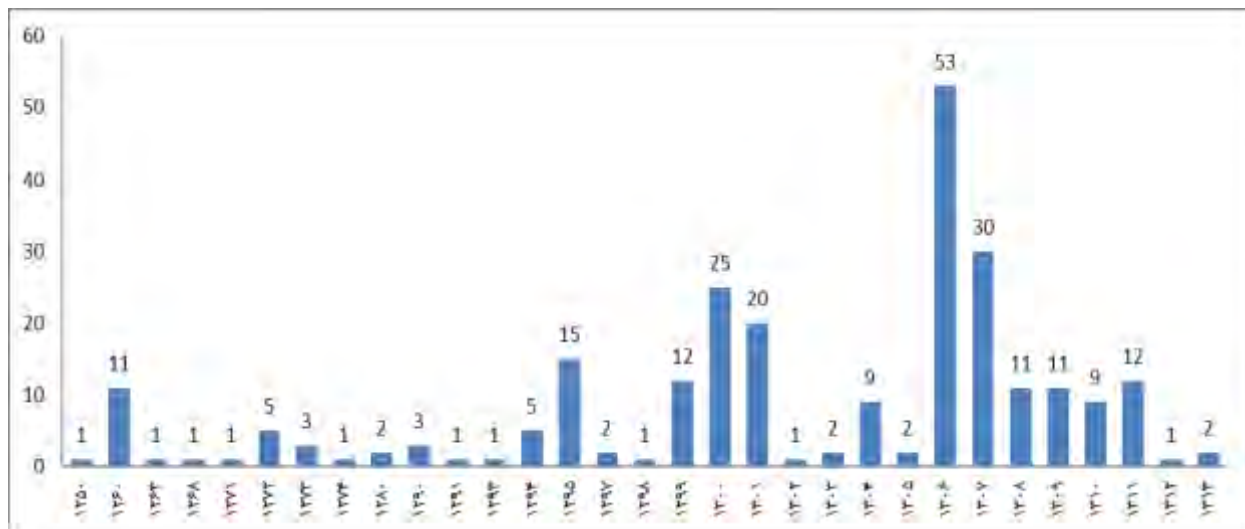
در عهد جانشینان ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۴۴ ق)، تعداد زوار هندی مشهد، کاهش پیدا کرده و به ۱۲۲ نفر یعنی ۳۴ درصد می‌رسد. البته در ملاحظه تعداد و درصد مورداشاره، باید توجه داشت که هم طول این دوره کمتر از نصف دوره اول است و هم از چهار سال آخر قاجاریه، سندی از زوار هندی در دست نیست. در این دوره بیست و دو ساله، بیشترین تعداد زواری که در سال ۱۳۱۵ ق در مشهد حضور داشتند ۳۲ زائر می‌باشد (نمودار ۳). در بررسی نوسان حضور زوار هندی در دوره دوم، باید به مسائلی چون اوضاع سیاسی ایران در عهد شاهان پنجم و ششم و هفتم، وقوع انقلاب مشروطیت و نیز جنگ جهانی اول توجه نمود. آخرین سند مرکز اسناد آستان پیرامون زوار هندی، مربوط به سال ۱۳۳۹ ق است (ساکماق، ۳/۶۳۴۳۶)؛ اما از آنجا که متن این سند درباره اهداء پانزده اتومبیل از طرف یک هندی (سید محمد مصطفی) برای تردد زوار در مسیر دزداب (زاهدان بعدی) است و اشاره‌ای به ورود زوار هندی به مشهد در این سال نشده، در تنظیم نمودار ۳، مینا قرار نگرفت و سند سال ۱۳۳۶ ق به‌عنوان سال آخر حضور زوار هندی در دوره قاجاریه لحاظ گردید.

بررسی تاریخ‌های مندرج در اسناد، نشان می‌دهد که در دوره اول، بیشترین تردد زوار هندی در ماه‌های صفر و سپس ربیع‌الاول و ربیع‌الثانی بوده است. اما در دوره دوم، ماه‌های رجب و محرم، بیشترین تردد زوار هندی را به خود اختصاص داده است (نمودار ۴).

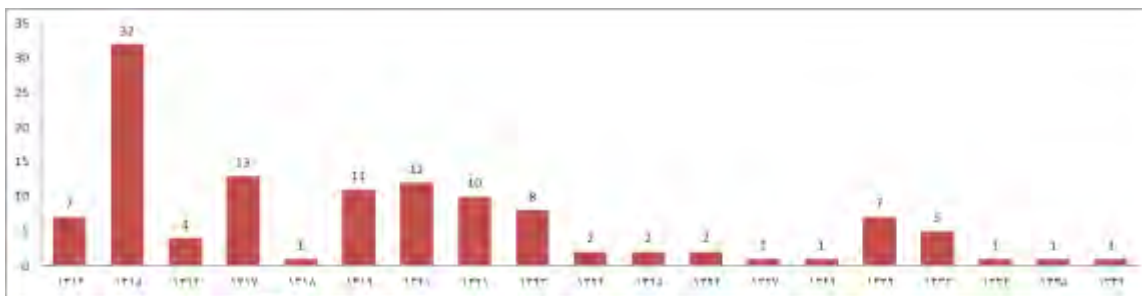


نمودار ۱. مقایسه درصد زوار هندی مشهد در دوره اول و دوره دوم.

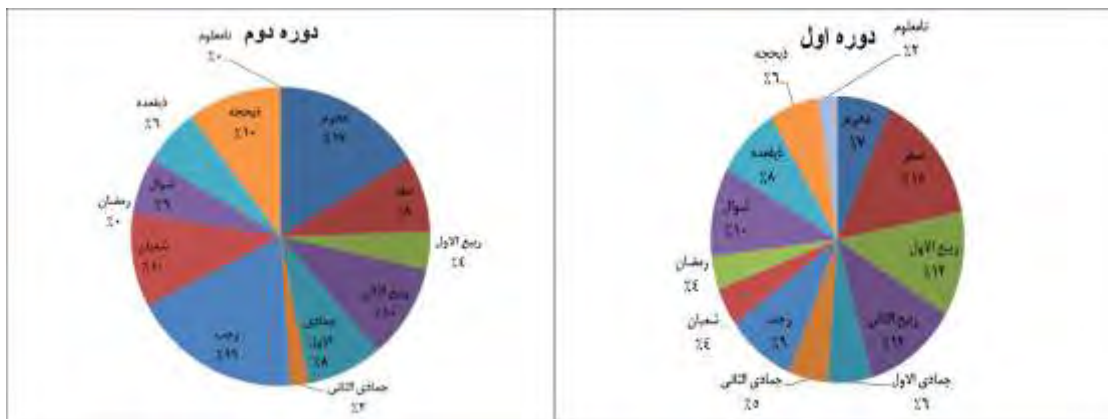
به این ترتیب بر خلاف چهار دهه نخست دوره قاجاریه که در اسناد به اسم هیچ زائر هندی اشاره نشده، در عهد محمدشاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق) و ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق)، به حضور ۲۴۲ زائر هندی اشاره شده است. موضوع قدیمی‌ترین سند زوار هندی حرم که مربوط به سال ۱۲۵۰ ق است (ساکماق، ۳۸۰۶۷/۲)، به گرفتاری معیشتی چند زائر از جمله «میرزا محمد علی هندی» اختصاص دارد که این شخص، مبلغ یک تومان و ۲۵۰ دینار کمک نقدی دریافت کرده است. بیشترین تعداد زوار هندی که در دوره اول در حرم حضور داشتند، مربوط به سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۱ قمری است که در این فاصله زمانی، بالاترین تعداد حضور زوار هندی در یک سال، به سال ۱۳۰۶ ق اختصاص دارد که ۵۳ زائر در مشهد بودند. در نمودار ۲، چگونگی تغییر تعداد



نمودار ۲. تعداد زوار در دوره اول



نمودار ۳. تعداد زوار در دوره دوم.



نمودار ۴. مقایسه ماه‌های حضور زوار هندی در حرم در دوره اول و دوره دوم.

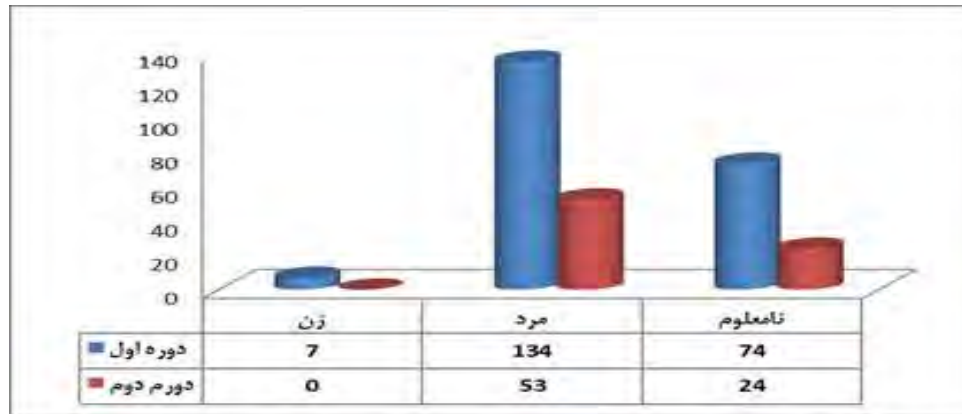
جنسیت زوار هندی

بر مبنای اطلاعات اسناد آستان قدس، عمده زوار هندی که به زیارت امام هشتم شیعیان نائل شدند، مرد بودند (نمودار ۵). در واقع تعداد زنان زائر، در مقایسه با مردان، بسیار کم است. به نظر می‌رسد، بعد مسافت و سختی‌های سفر و نیز جایگاه اجتماعی و بنیه اقتصادی زنان شیعی هند، از عوامل تأثیرگذار بر این موضوع باشد. البته حدود ۲۵ درصد اسناد آستان قدس، اشاره مستقیم و واضحی مبنی بر تعیین جنسیت زوار ندارد. برای نمونه، در عریضه شخص زائر هندی اشاره شده که وی همراه با ۲۵ نفر زائر هندی به قصد زیارت به مشهد آمده‌اند (ساکماق، ۱۳۱۷۰/۱۲)، ولی مشخص نکرده که آیا زنانی در بین این تعداد حضور دارند یا خیر. بر اساس اطلاعات استخراج شده از اسناد، از میان زوار هندی که به زیارت حرم امام رضا (ع) مشرف شدند، ۷۳ درصد مرد، ۲۵ درصد نامعلوم و تنها ۲ درصد زن هستند. سال حضور این زنان زوار، به سال‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ قمری مربوط است و در سال‌های قبل و بعد، خبری از حضور زنان هندی در حرم نیست.

در اسناد مورد اشاره، به حضور هفت زن زوار هندی اشاره شده که از این تعداد، ۵ نفر به صورت مستقیم، عریضه به متولی‌باشی نوشته و درخواست‌های خود را مطرح کردند؛ این رویه اداری در

نامه‌نگاری، نشان از فراهم بودن این امکان در این دوره برای زنان زوار است (تصویر سند پیوست ۱). دو نفر دیگر از زنان زوار هندی، از همراهان زوار مرد بوده که به صورت خانوادگی به زیارت آمده بودند (ساکماق، ۲۳۷۹۹/۷ و ۲۳۷۹۹/۴۶). در متن تمام اسنادی که از سوی پنج زن هندی زوار نوشته شده، «نوربس خانم» (ساکماق، ۲۳۹۰۱/۳)، «وزیر خانم» (ساکماق، ۲۳۹۰۹/۱۵)، «زهرا پیشاوری» (ساکماق، ۲۳۸۵۶/۱۹)، «معصومه پیشاوری» (ساکماق، ۲۳۸۵۶/۶۵) و «سکینه» (ساکماق، ۲۳۷۹۱/۴۶) - اسامی آن‌ها ذکر شده است. شاید دو عریضه‌ای که زنان زائر هندی بدون ذکر نام و با عنوان «ضعیفه زوار هندی» (ساکماق، ۲۳۹۰۹/۹) به متولی آستان قدس نوشته‌اند، متعلق به زنان طبقات پایین‌تر جامعه هندی باشد.

شیوه نگارش عریضه‌ها و چگونگی طرح درخواست‌های زنان زوار، همانند مردان زوار هندی بوده و تفاوت ساختاری متنی و ظاهری مشخصی از حیث مرد یا زن بودن فرد ندارند (به عنوان نمونه، نک: تصویر سند پیوست ۱). احتمالاً این همانندی محتوایی و شکلی عریضه و تمرکز متن روی معرفی مختصر عارض و گرفتاری پیش آمده و سپس بیان شفاف درخواست مساعدت، به دلیل کمک گرفتن از عریضه‌نویسان مستقر در حرم است.



نمودار ۵. نسبت زن به مرد زوار هندی مشهد در دوره قاجاریه.

سفر می‌کردند (ساکماق، ۲۴۰۳۸/۵). در یک مورد نیز، زیارت حرم امام رضا(ع)، پس از سفر حج انجام شده است (ساکماق، ۲۴۲۳۸/۱).

در کنار زیارت امام رضا(ع)، بعضاً انگیزه‌های دیگری نیز برای حضور زوار هندی در مشهد ذکر شده است. از جمله این انگیزه‌ها، تحصیل و کسب علوم است که در بخشی از متن یک سند، این‌گونه به آن اشاره شده: «ما چند جوان، به خیال درس خواندن، به عالم مقدس آمدیم» (ساکماق، ۲۴۱۷۹/۳؛ نک: تصویر سند پیوست ۲). فعالیت جدی مدارس علوم دینی در مشهد از دوره صفوی به بعد، سبب جذب این قبیل افراد برای حضور در مشهد است (ساکماق، ۲۴۱۷۹/۳)، به ویژه آن که برخی از این مدارس همچون «مدرسه میرزا جعفر» به همت ایرانیان ساکن هند ساخته شده بود (پسندیده، ۱۳۹۴: ۴۷). البته در اسناد مطلبی که به این موضوع اشاره کند و گویای ارتباط میان هندیانی که به انگیزه تحصیل به مشهد آمده باشند با این مدارس پیدا نشد.

در موارد کمی، اسنادی متضمن تغییر دین و مسلمان شدن افراد هندی حاضر در مشهد وجود دارد (ساکماق، ۲۲۸۴۲/۲). باوجود آن که متن این اسناد، مشخص نمی‌کند که این افراد چه شغلی داشتند؛ احتمال دارد که برخی از این قبیل افراد، به تجارت یا در کنسولگری انگلستان در مشهد یا دیگر مراکز وابسته با انگلستان در ایران مشغول کار بودند. همچنین، معلوم نیست که در ابتدا چه دینی داشتند و نیز مشخص نمی‌سازد که این تغییر دین در هند و یا مشهد صورت گرفته است. اما نکته قابل توجه درباره این قبیل افراد، رویکرد مثبت متولیان آستان قدس در حمایت از این افراد است.

یکی از این افراد، غلام‌رضا هندی است که نام قبلی این فرد مشخص نیست. مطابق مصاحبه صورت گرفته با یکی از نوادگان

پرداخت‌های مالی صورت گرفته به این زنان نیز، مشابه مردان بوده است. در هامش اغلب این اسناد، رقم کمک مشخص شده و متن دستور متولی‌باشی و صاحب‌منصبان زیر دست وی برای عملی شدن این مساعدت به همراه تاریخ دستور، درج شده است. به‌عنوان نمونه، معصومه پیشاوری در عریضه خود، نوشته: «فدای حضور مهر حضور مبارکت شویم؛ عرضه داشته این کمینه معصومه پیشاوری به خاک پای مبارک سرکار آن است که این کمینه از اهل پیشاور می‌باشم و شوهرم در عرض راه کربلای معلی فوت کرده است و دو طفل یتیم دارم و بسیار فقیر و پریشان احوال می‌باشد. استدعا از سرکار داریم که نظر مرحمت در حق این کمینه بفرماید که در این زمستانی از سرما و گرسنگی از دست نرویم خداوند عمر عزت سرکار را زیاد فرماید». در حاشیه این سند که مبلغ و روال پرداخت را عیان می‌سازد، آمده: «به‌نظر رسید، تحویل‌داران سرکار فیض آثار، مبلغ دو هزار دینار به عارض بدهند. شهر صفر ۱۳۰۰» (ساکماق، ۲۳۵۶/۱۳). نکته قابل تأمل متن سند اخیر و برخی اسناد دیگر (ساکماق، ۲۳۵۰۲/۲)، حضور کودکان هندی همراه با والدین در سفر زیارتی مشهد و تحمل رنج این مسیر پرمشقت با امکانات سفر آن روزگار است.

انگیزه‌های زیارتی و غیر زیارتی زوار هندی

مطابق مندرجات اسناد، شوق زیارت حرم، علت اصلی حضور شیعیان هندی در مشهد بوده است (ساکماق، ۲۰۶۱/۹ - ۲۳۴۶۶/۳). اما گاهی، مشهد مقصد نهایی این زوار نبوده و زیارت امام رضا (ع) در کنار زیارت قبور دیگر امامان شیعه در عراق مد نظر زوار بوده است. لذا در پاره‌ای موارد، زوار ابتدا به مشهد آمده و سپس راهی کربلا و نجف می‌شدند؛ در برخی موارد نیز، زوار هندی پس از سفر به شهرهای مقدس شیعیان در عراق، به مشهد

درخواست مساعدت مالی نموده: «این کمترین غلامعلی جدیدالاسلام هندی دعاگو از اهل هندوستان می‌باشم و مسلمان شده‌ام و پای پیاده مشرف شدم به زیارت ثامن‌الائمه؛ هر چه داشته‌ام تمام شده است که دیگر قادر به شام یک شب خود نیستم و خداوند گواه است که از جمله مستحقین می‌باشم، استدعا از مرحم بیکران داریم که محض رضای خدا و رسول و آفتاب کرم قیامت، خرجی راهی لطفاً عنایت بفرمایید که بروم در عتبات عالیات که دعاگوی و نایب الزیاره سرکار باشم، اسباب‌های کمترین هم در این جا برده‌اند امیدوارم که از لطف مرحمت سرکار مأیوس نشوم خداوند روز به روز در عمر عزت سرکار بیفزاید... امر کم مطاع» (ساکماق، ۳/۲۳۸۴۲).

پایگاه اجتماعی زوار هندی

بر خلاف دوره صفوی که شاهد حضور پر رنگ شاهزادگان و صاحب‌منصبان هندی در اسناد هستیم؛ در دوره قاجاریه، طبقات متوسط و فقیر هندی حضور پر رنگ‌تر در اسناد دارند. حتی در یک مورد، شاهد عریضه‌ای هستیم که خود را غلامی آزاد شده معرفی کرده؛ وی در عریضه‌اش به متولی باشی آستان قدس، می‌نویسد: «این عبد ذلیل، زر خرید بودم در هندوستان؛ مولای من مرا در راه خدا آزاد نمود، فرصت را غنیمت دانسته مشرف به بیت الله الحرام شده، از آنجا شوق زیارت حضرت ثامن‌الائمه به سرم زد» (ساکماق، ۱/۲۴۲۳۸). از محدود اخبار مرتبط با فرادستان هندی، سند مربوط به دفن شاهزاده حیدر هندی در حرم به سال ۱۲۹۰ ق است (ساکماق، ۱۵/۱۲۲۲۳).

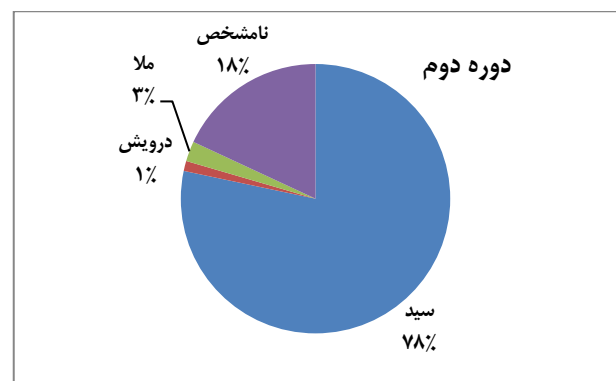
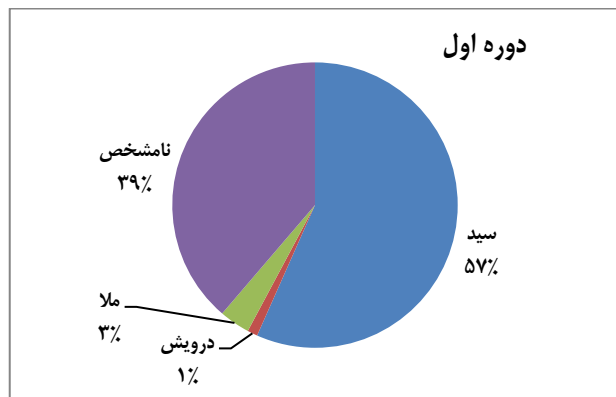
از دیگر گروه‌های اجتماعی که حضور پر رنگ در اسناد دارند، سادات و صوفیان هستند. به‌عنوان نمونه، در بین زوار هندی سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۳۳ ق، نام سه نفر به کرات ذکر شده که احتمالاً اعتبارشان متأثر از پایگاه صوفیانه در کنار سیادت باشد. یکی از این زوار مشهور، سید «شهسوار علی‌شاه بن سید نورالدین علی هندی» است که مطابق شجره‌ای که برای خود ارائه کرد، انتصابش به «شاه نعمت الله ولی» می‌رسد و از درویش نعمت الهی است (ساکماق، ۱/۱۲۲۹۰۳). دریافت لقب «منصور التولیه» در سال ۱۳۱۲ ق از طرف ناصرالدین‌شاه، اعتبار درخور این فرد را تقویت می‌کند. در منشور ناصرالدین‌شاه، وی از جمله نجبا و بزرگان معرفی شده که «مهاجرت از وطن مألوف نموده و محض عتبه بوسی آستان مقدس، مجاورت و توقف ارض اقدس را اختیار نموده» است

ایشان، وی پس از سفر به مشهد با دیدن بارگاه رضوی، مسلمان می‌شود و اسم غلام‌رضا را برای خود انتخاب می‌کند (نظرزاده، ۱۳۸۵: ۴۹۴). مطابق محتوای اسناد، پس از تأیید صلاحیت وی توسط کشیک‌نویس آستان قدس، به‌دستور متولی‌باشی آستان به سمت کفشداری حرم منسوب می‌شود: «عریضه عالیجناب میرزا تاج‌الدین علی، کشیک‌نویس سرکار فیض آثار به تاریخ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۶۱، شرح آنکه خداوندگار را عرض می‌شود در باب ملاً غلام‌رضای هندی که خداوند متعال او را هدایت نموده از کفر که عین ضلالت است، نجات داده، شرف اسلام که عین ایمان است مشرف ساخته. علاوه بر شرافت اسلام، از التفات سرکار عالی، قاری قرآن شده و مواظب نماز جماعت است و شب زنده‌دار و استفتای طبع هم الحمدالله دارد و مستدعی خدمت است از سرکار عالی چنانچه التفات سرکار عالی درباره مشارالیه مضاف و خدمت کفشیانی کفش‌کن صحن جدید... التفات و مرحمت فرمایند که باعث زیادتی شرافت و افتخار موم‌الیه شده با اطمینان قلب مشغول خدمت و تحصیل مسائل دینی و دعاگوی ذات شریف باشند. امر کم مطاع». در هامش این نامه، آمده: «دستخط بندگانی شرح آنکه به تاریخ ۸ ربیع‌الثانی ۱۲۶۱، به خدمت کفشیانی مأذون است» (ساکماق، ۳/۳۸۶۶۳).

غلام‌رضا هندی که نامش از این پس در سلسله کارکنان حقوق‌بگیر آستان درآمد، تا مدتها «کفشبان صحن جدید» (ساکماق، ۱۲ و ۱۸۶۷۴/۴) و نیز «کفشبان دارالسعاده» (ساکماق، ۳۹۲۷۶/۴) بود. نام وی در سال ۱۲۷۰ ق، به‌عنوان کفشدار «کفشکن هندی‌ها» (ساکماق، ۲/۲۰۵۷۱) ثبت شده است. در واقع اشتغال کفشداری هندی‌ها، یادگار حضور غلام‌رضا هندی کفشبان و نیز رفت آمده‌های بعدی زوار هندی به حرم است. به‌تدریج زوار هندی که برای زیارت می‌آمدند، چون مطلع می‌شدند که یک هم‌وطن و هم‌زبان‌شان در حرم مشغول کار است، از سر شوق و یا استمداد برای سهولت سفر، به دیدار وی می‌رفتند. به‌گفته یکی از اعقاب این شخص، «... به دلیل رفت و آمده‌های هندی‌ها به آن مکان و از طرف دیگر خدمت جدم و پسرش در این کفشداری، به‌تدریج این مکان به کفشداری هندی‌ها معروف گشت» (نظرزاده، ۱۳۸۵: ۴۹۶). در ادامه این سنت انتقال شغل پدر به پسر، در سال ۱۳۰۵، پسرش غلامحسین نیز کفشدار کفشداری هندی‌ها شد (ساکماق، ۴/۱۵۶۹۸).

«غلام‌علی جدیدالاسلام هندی»، فرد دیگری است که تغییر دین داده و کمک مالی دریافت کرد (نک: تصویر سند پیوست شماره سه). وی در متن عریضه‌اش، با تأکید بر این سابقه،

اجتماعی بخش قابل توجهی از زوار هندی در این دوره، مشخص نیست.



نمودار ۶. وضعیت پایگاه اجتماعی زوار هندی به تفکیک هر دوره.

در برخی عریضه‌های سادات، شاخه سیادت زوار هندی نیز مشخص شده؛ با توجه به این امر، بیشترین تعداد عریضه‌ها، مربوط به سادات رضوی است (ساکماق، ۳/۲۳۶۱۴ - ۲/۲۴۸۴۳). هر چند به نظر می‌رسد، ذکر سیادت رضوی در عریضه‌ها، گاه با هدف جلب نظر متولی آستان قدس برای کمک بیشتر به صاحب عریضه صورت گرفته است. در این عریضه‌ها، اغلب سادات رضوی تاکید داشتند که «از مال جدم» به من کمک کنید. بررسی اسناد آستان از این حیث به منظور رسیدن به نتیجه مشخص درباره تفاوت میزان کمک‌ها بین شاخه‌های مختلف سادات و نیز بین سادات و غیرسادات، نتیجه بخش نبود. به عبارت دیگر، به نظر نمی‌رسد میزان پرداخت‌ها و رقم کمک‌ها به سادات - چه رضوی و دیگر سادات - تفاوتی با سایر گروه‌های زوار داشته باشد. با این حال، شاید سیادت در تصمیم مثبت یا منفی متولیان آستان برای صدور دستور کمک مؤثر بوده است. بررسی اسناد از حیث شاخه سیادت، مشخص می‌کند که به لحاظ تعداد عریضه‌ها، ابتدا سادات رضوی و سپس، سادات موسوی (ساکماق، ۳/۲۴۹۷۹ - ۹/۲۴۲۹۱) و سادات حسینی پرشمار هستند (ساکماق، ۳/۲۳۷۲۱ - ۷/۲۳۷۲۰).

(ساکماق، ۱/۹۶۸۴). نکته قابل توجه در ادامه این منشور، دستور پرداخت «سالی ۱۲۰ تومان وجه نقد و مقدار پنج خروار بنشن» به عنوان شهریه از آستان است (ساکماق، ۱/۹۶۸۴). پس از دریافت این لقب تا آخر عمر (۱۳۵۱ ق/۱۳۱۱ ش)، وی در لیست حقوق بگیران قرار می‌گیرد (ساکماق ۱/۱۶۵۵۱۱ و ۱۰۲/۱۶۶۷۶؛ ساکماق ۳/۹۷۵۶۴). «سید محمد هندی»، از دیگر زوار معتبر احتمالاً صوفی مسلک است که نامش در فاصله سال‌های ۱۳۰۵ ق تا ۱۳۲۷ ق در اسناد تکرار می‌شود. نکته قابل توجه در مورد وی، تخصیص شام به وی در مهمانسرای ویژه کارکنان آستان است (ساکماق، ۶/۲۵۷۷۷ و ۱/۲۵۷۳۶). سید محمد بدون آن که شغل و منصبی برای وی در اسناد ذکر شود، در اغلب ایام سال، یک وعده شام دریافت کرده است (ساکماق، ۱/۲۵۸۳۰ و ۱/۲۵۸۳۴). آخرین باری که نام وی در اسناد دیده شده، در سال ۱۳۲۷ ق در ماه شوال به وی ۲۵ نوبت شام داده شده است (ساکماق، ۱/۲۵۰۹۳). نفر سوم، «سید قوه علیشاه هندی» است که نامش در اسناد فراوانی دارد. وی که نخستین بار، در سال ۱۳۱۰ ق یاد شده (ساکماق، ۶/۲۵۷۷۷)، یک وعده غذا از کارخانه خدای می‌گرفت (ساکماق، ۱/۲۵۷۲۸ - ۱/۲۵۷۳۶). این تسهیلات را به صورت پراکنده تا زمان فوتش (۱۳۳۳ ق) حفظ کرده و پس از مرگ، در در قطعه مقابل کفشداری هندی‌ها، رایگان دفن شد (ساکماق، ۸/۱۲۱۲۶). لازم به ذکر است که در دوره قاجاریه، دو مهمانسرا در حرم وجود داشت، یکی برای اطعام زوار با نام «کارخانه زواری» (ساکماق، ۱/۱۸۹۲ - ۱/۱۸۹۳) و دیگری برای ارائه غذا به کارکنان آستان با نام «کارخانه خدای» (ساکماق، ۱/۱۹۷۰ - ۱/۱۹۳۴).

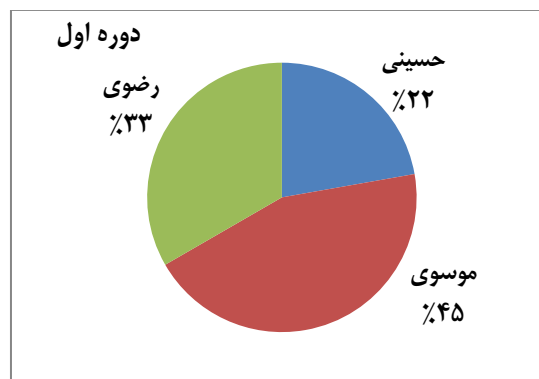
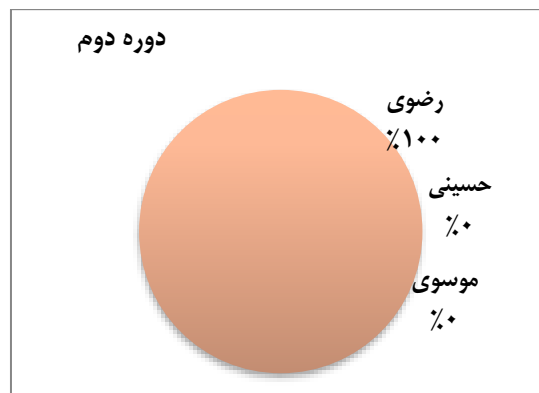
از دیگر گروه‌های اجتماعی از زوار هندی در مشهد، سادات هستند. رفت و آمدهای سادات از ایران به هند و از هند به ایران، در دوره‌های پیشین رایج بوده است. دوره صفویه از این قاعده مستثنی نبوده و به دلایل مختلف، گروه‌هایی از سادات به هند می‌رفتند، اما نشانه‌ای از مهاجرت سادات از هند به ایران عصر صفوی به دست نیامد (اللهیاری، ۱۳۹۵، ۱۸). طبق مندرجات اسناد، آنان حضور پررنگی در مشهد داشتند. سادات در دوره اول، ۵۷ درصد (ساکماق، ۳۹۲۰۹/۴۳ - ۱/۱۴۱۷۵) و در دوره دوم، ۷۸ درصد زوار را تشکیل می‌دادند (ساکماق، ۷۰/۲۴۸۱۹ - ۱۷/۲۴۸۲۱). در بررسی جایگاه برجسته سادات در بین زوار هند (نمودار ۶)، البته باید به این نکته هم توجه نمود که پایگاه

سطر آخر، از حیث بیان امتیاز خاص زیارتی اختصاص یافته آستان به سادات، حائز اهمیت است.

دیگر گروه اجتماعی که در اسناد دارای فراوانی اندک هستند، درویش هندی و کسانی هستند که دارای لقب «ملاً» می‌باشند. تعداد درویشان، محدود به سه نفر به نام های «درویش غلامحسین پیشاوری» به سال ۱۳۰۶ ق (ساکماق، ۲۴۱۷۳/۵۹)، «درویش علی» به سال ۱۳۰۸ ق (ساکماق، ۲۴۲۹۶/۱۵) و «حاج سیاح درویش هندی» به سال ۱۳۱۴ ق (ساکماق، ۲۴۶۲۱/۸) است. مقایسه رقم پرداختی به این درویشان با سایر زوار هندی، نشان می‌دهد که وجوه تحویلی به دو نفر از این درویش بیشتر از سایر زوار هندی است. در حالی درویش علی و حاج سیاح، هر کدام ۵ تومان وجه نقد دریافت کرده‌اند، که بالاترین وجوه پرداختی به زواری که لقب ملاً دارند، یک تومان و پنج هزار دینار و سایر زوار، ۳ تومان است. در اسناد، در مجموع، ۵ نفر از زوار هندی دارای لقب ملاً بودند. در عریضه یکی از این افراد، اشاره شده که مشغول تحصیل علوم دینی و شرعی است (ساکماق، ۲۴۲۷۷/۱۲). هر چند وی مشخص نمی‌کند که در مشهد در حال تحصیل بوده و یا در جای دیگر، اما احتمال می‌رود که اسناد حاوی لقب ملاً، بعضاً به طلاب علوم دینی اختصاص دارد.

نوع کمک‌های آستان قدس رضوی به زوار هندی

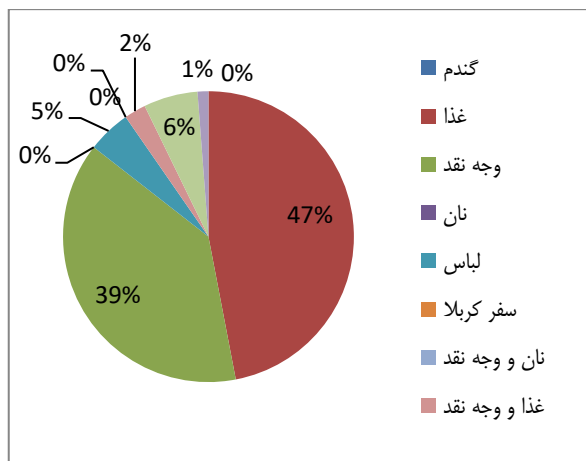
کمک‌های آستان قدس به هندی‌ها، شامل وجوه نقدی و یا غیر نقدی بوده است. برخلاف زوار عرب که موقوفه‌های اختصاصی داشتند، مندرجات اسناد مرتبط با کمک‌های پرداختی به زوار هندی، به موقوفه خاصی اشاره ندارد؛ لذا مبالغ و کمک پرداختی، از محل موقوفات عامی که اختصاص به کمک به زوار و یا در راه ملنگان داشت، تهیه می‌شد. افزون بر این، برخی مصارف موقوفات آستان قدس، به شکل کلی مخصوص سادات بود (حسن آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۶). دامنه پرداخت‌های نقدی، متغیر بوده و از هزار دینار تا پنج تومان را در بر می‌گرفته است. لازم به ذکر است که به طور معمول کمک‌های آستان به تمامی زوار چه ایرانی و چه غیرانی، عمدتاً «یک زواری» (ساکماق، ۱/ ۲۳۵۷۴؛ ۲۳۶۶۴/۱) بود؛ یک زواری، شامل ۳ هزار دینار؛ که گاه تبدیل به شکل غیر نقدی و شامل غذا، نان و یا گندم می‌شد. گاه در زمستان، بنا به



نمودار ۷. نوع سیادت زوار هندی.

گاه صاحب عریضه، افزون بر ذکر سیادت خود به تبحر خود در شعر و ادبیات فارسی هم اشاره داشته است. در یک مورد مربوط به سال ۱۲۹۴ ق، شاعری به نام سید عبدالعزیز با دست خط خود و شعرهایی از سروده خویش به زبان فارسی، استدعای کمک نموده است (نک: تصویر سند پیوست ۴). وی در این عریضه پس اشاره به این که با پای پیاده به مشهد آمده و می‌خواهد در ادامه به کربلا برود، درخواست تسهیلات سفر به اندازه‌ای دارد که «از مصیبت ابله پای» در امان باشد. این عریضه، بسیار مورد توجه متولی باشی وقت آستان قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که خطاب به اعتمادالتولیه آستان می‌نویسد: «این سید هندی، سید عزیزی است و خوش عقیده، کاغذش را از اول تا آخر بخوانید، خوب نوشته، اولاً طوری قرار بدهید که از اینجا به قول خودش بی ابله پا به کربلای معلا برسد ثانیاً، مطلبی در رقعہ جداگانه که سید مبارک حسین نوشته، مندرج است سادات عزیز از راه دور آمده‌اند، بعد از انقضای مجلس و قبل از بستن درب ضریح مطهر، بی آنکه قبل از وقت احدی مطلع شود، در کمال نظم ... مشرف شده، عتبه ضریح مقدس را ببوسند و برگردند» (ساکماق، ۱/ ۶۲۱۷۶). دو

کمک‌های آستان قدس در پرداخت‌های دوره اول و دوره دوم، متأثر از عواملی چون تفاوت وضعیت اقتصادی آستان و نیز نوع درخواست‌های زوار بوده است.



نمودار ۸. کمک‌های پرداختی به زوار هندی در دوره دوم.

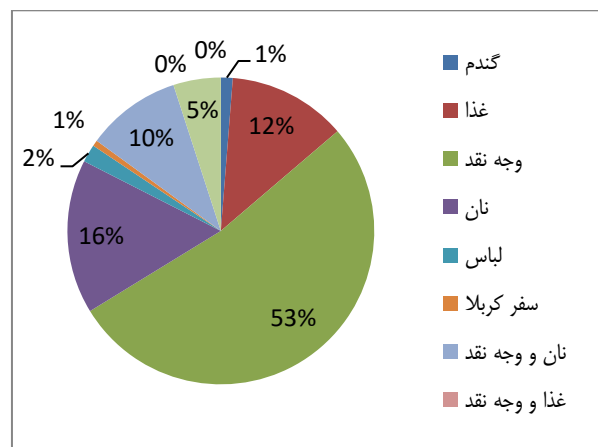
دفن شدگان هندی در حرم رضوی

با وجود اشاره اسناد وزارت امور خارجه مبنی بر انتقال اجساد از هند به مشهد در دوره قاجاریه به منظور دفن در جوار بارگاه رضوی (نوروزی و معزی، ۱۳۹۶: ۱۲)، در اسناد آستان قدس تنها به چند مورد محدود اشاره شده است. البته گاه در برخی اسناد آستان به دفن «اجساد» و یا «کیسه استخوان» در حرم به شکل کلی اشاره شده، در حالی که مبدأ انتقال آن را ذکر نمی‌کند (ساکماق، ۱۱۷۹۴/۱). افزون بر این، بلید توجه داشت که به جز مکان‌هایی که در حرم برای دفن در نظر گرفته می‌شد، قبرستان‌هایی در شهر مشهد وجود داشته؛ به همین جهت، می‌توان احتمال داد که برخی اجساد انتقالی از هند، در این قبرستان‌ها دفن شده باشند. خانیکوف^۴ که در ۱۵۵۸-۱۸۵۹ م/ ۱۲۷۵-۱۲۷۶ ق در ایران بوده، ضمن اشاره به این موضوع، آورده که اجساد از هند، بغداد و سایر نقاط به مشهد می‌آوردند و در گورستان‌های مشهد دفن می‌شدند (خانیکوف، بی تا، ۱۱۷).

از اطلاعات اسناد آستان بر می‌آید که چند نفر هندی در حرم امام رضا (ع) دفن شده‌اند. برخی از این دفن‌ها، در سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۳۵ ق صورت گرفته است. گاهی، قطعه مقابل «کفشداری هندی‌ها» یا اطراف آن واقع در صحن جدید حرم، محل دفن افراد

درخواست شخص زوار، یک عدد جامه «کلیجه»^۱، «پوستین»^۲ یا «نیم تنه»^۳ و یا معادل نقدی آن داده می‌شد (ساکماق، ۲۳۷۲۰/۷، ۲۴۶۷۴/۲، ۲۴۶۷۴/۱۰). اطعام زوار هندی در مهمانسرای حضرت، از دیگر کمک‌هایی بوده که در اسناد به چشم می‌خورد (ساکماق، ۲۵۰۹۳/۱، ۲۵۸۰۰/۵، ۲۵۷۷۷/۶).

در مجموع، میزان پرداخت‌های نقدی در دوره قاجاریه، بسیار متغیر است و از هزار دینار (ساکماق، ۲۳۷۹۱/۷۷) تا پنج تومان (ساکماق، ۲۴۶۲۱/۸) را در بر می‌گیرد؛ اما متوسط پرداختی به زوار، در سال ۱۳۰۲ ق، حدود یک تومان است (ساکماق، ۲۳۹۳۴/۳). با توجه به تعداد بیشتر زوار در دوره اول و نیز طول زمان قابل توجه این دوره (۱۲۵۰-۱۳۱۳ ق)، پرداخت‌های دوره اول در مقایسه با دوره دوم بیشتر است (نمودار ۷). در دوره اول، ۵۳ درصد پرداخت‌ها، نقدی؛ ۱۲ درصد، یک وعده غذا؛ ۱۶ درصد، نان؛ ۲ درصد، لباس است. گاهی نیز این کمک‌ها، ترکیبی از وجه نقد و کمک‌های جنسی بوده است؛ به گونه‌ای که در این مدت، ۱۰ درصد پرداخت‌ها نان به همراه مقداری وجه نقد، ۵ درصد گندم و وجه نقد، ۱ درصد غذا و وجه نقد و ۱ مورد نیز تهیه مقدمات سفر کربلا بوده است.



نمودار ۷. کمک‌های پرداختی به زوار هندی در دوره اول.

در دوره دوم (۱۳۱۴-۱۳۳۹ ق)، پرداختی‌ها کمتر است (نمودار ۸). در این دوره، ۳۹ درصد پرداخت‌ها به صورت نقدی و ۴۸ درصد نیز در قالب وعده غذایی است. از مجموع درخواست‌های زوار، به ۵ درصد زوار، لباس و به ۶ درصد زوار، وجه نقد به همراه گندم، و به ۲ درصد زوار هم، غذا و وجه نقد داده شده است. تفاوت نوع

۲ «نوعی لباس زمستانی که از پوست حیوانات پشم دار درست می‌کنند» (معین، ۱۳۸۴: ۲۵۳).

۳ «لباس کوتاه مردانه یا زنانه» (معین، ۱۳۸۴: ۱۱۰۸).

۱ «نیم تنه بلندی که دامن آن تا روی ران می‌افتد و کمرش کم و بیش چسبان است. غالباً کلیجه را از مخمل سرخ عنابی می‌دوزند، سر آستین این نوع کلیجه را که مخصوص زنان است با براق تزیین می‌کنند» (معین، ۱۳۸۴: ۷۲۳).

می‌کند که این زوار در وضعیتی تاسف بار (فریرز، ۱۳۶۴، ۲۰۵-۲۰۸) به مشهد می‌رسیدند. لندور (۱۲۷۸-۱۲۸۰ ق)، نیز درباره زوار هندی مسیر سیستان به خراسان، می‌نویسد: «با کمال تأسف در کاروانسرا شاهد خروج زائران هندی عازم مشهد بودم. چند الاغ و قاطر گیر آورده بودند و مرتب در حال دعوا و جنجال با بومیان بودند. در زمان رفتن آن‌ها، برای چندساعت کاروانسرا آرام و قرار خود را از دست داد. بارها، برگرده چارپایان بسته شده بود و زائران لاغر و مردنی مثل اسکلت، روی بارها نشسته بودند. همه از شدت تب، در حال لرزیدن بودند» (لندور، ۱۳۸۸: ۳۷۱-۳۷۰). وی در ادامه، آنان را مایه دردسر دانسته و اعتقاد دارد که در وجود آن‌ها اثری از زندگی نیست و تنها باورهای مذهبی سبب سفر آن‌ها به سمت مشهد شده است (لندور، ۱۳۸۸: ۳۸۰). مسافت طولانی که گاه فرد شش ماه مشغول طی مسیر هند تا مشهد بود (ساکماق، ۲۴۲۳۹/۳۱)، از عوامل تشدید بیماری زوار هندی است؛ خاصه که برخی از آنان، به دلیل شرایط نامناسب مالی، ناگزیر بودند با پای پیاده سفر کنند.

عدم آشنایی به زبان فارسی (ساکماق، ۲۳۷۹۳/۱۷ و ۲۴۰۴۲/۱۵)، سرقت‌های اموال زوار در شهر مشهد (ساکماق، ۲۴۲۴۲/۵ و ۲۴۰۴۰/۲۳)، و بی‌سرپرست شدن زنان زائر به دلیل فوت همسر در سفر (ساکماق، ۲۳۸۵۶/۱۳)، از دیگر مشکلات زوار هندی بود.

مبدأ سفر زوار هندی در مشهد

با وجود مشخص نبودن خاستگاه جغرافیایی حدود ۷۰ درصد از زوار هندی، برخی اسناد با ذکر پسوند اشتهار جغرافیایی زوار، تا حدودی مبدأ سفر تعدادی از زوار را مشخص می‌کنند (نمودار ۹). بیشترین تعداد زوار، متعلق به منطقه پیشاور بودند (ساکماق، ۲۴۱۷۸/۱۶ و ۲۴۱۷۰/۱۲). در دوره اول، ۲۰ درصد زوار هندی، پیشاوری هستند. پس از پیشاور، بنگش که منطقه‌ای نزدیک کشمیر است، دومین منطقه‌ای است که زوار قابل توجهی از آنجا به مشهد آمده‌اند. ۳ درصد زوار نیز، کشمیری هستند. افزون بر این، از لاهور، دهلی و حیدرآباد نیز تعداد اندکی زائر به مشهد آمده بودند. در دوره دوم، شمار زوار اهل کشمیر بیشتر از بقیه بوده است؛ بقیه زوار، از مناطق پیشاور و بنگش هستند. نکته قابل تأمل این که در دوره دوم، یک زائر از عظیم‌آباد واقع در شرق هند به زیارت حرم امام رضا آمده بود (ساکماق، ۲۴۲۲۳/۲۷). مورد اخیر، گویای آن است

بوده است. از جمله افرادی که در اینجا به رایگان دفن شدند، سید قوه علیشاه هندی (ساکماق، ۱۲۱۲۶/۸)، «مادر زن منصورالتولیه سید شهسوار علیشاه» (ساکماق، ۱۱۹۴۵/۴)، همسر سید شهسوار علیشاه (ساکماق، ۱۱۹۷۸/۳؛ سند شماره ۱۲۰۷۶/۹) و «صبیه همشیره سید شهسوار» (ساکماق، ۱۱۹۵۳/۲) هستند. از دیگر مدفونین مشهور هندی در حرم، «شاهزاده حیدر هندی» است که در رمضان سال ۱۲۹۰ ق در ایوان عباسی دفن گردید (ساکماق، ۱۲۲۲۳/۱۵). بررسی مندرجات اسناد مدفونین فوق در حرم، گویای آن است که دفن این قبیل افراد و یا منسوبان آن‌ها در حرم، متأثر از نفوذ آنان در آستان بود. با این وجود، اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد عادی نیز توانستند موافقت دفن رایگان را در حرم به دست آورند (ساکماق، ۱۲۱۴۷/۱۸).

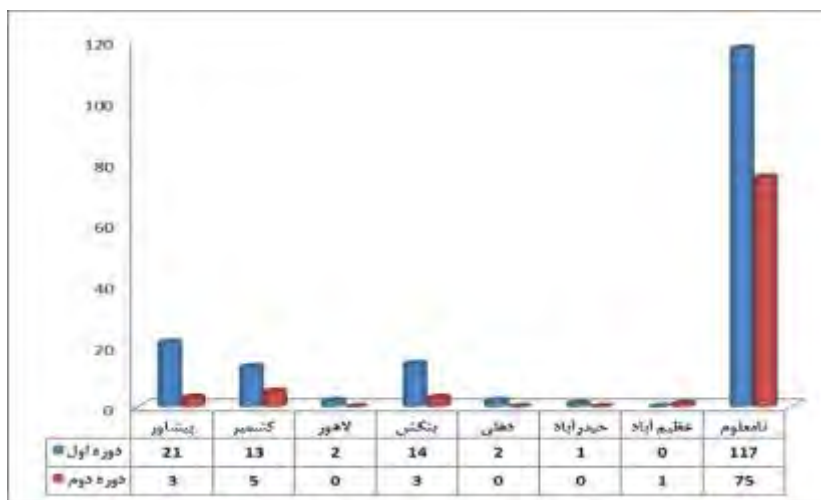
مشکلات زوار هندی در سفر به مشهد

در دوره قاجاریه، سفر زوار مناطق مختلف به مشهد، با مشکلات متعدد همراه بود. از جمله این مشکلات، راهزنی‌هایی بوده که ترکمانان ناحیه استرآباد از اموال کاروان‌های زوار انجام می‌دادند (افضل الملک کرمانی، بی تا، ۷۳). معضل حملات ترکمن‌ها به کاروان‌های زیارتی و زوار بسیار جدی بوده و دامنه این مشکل، تا مناطق جنوبی خراسان نیز گسترده شده بود (ساکماق ۲۰۳۹۳۰/۱). افزون بر سرقت اموال و فروش مسافران در بازارهای خیره و بخارا (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۰-۳۱۲)، ترکمانان اسباب نامنی جاده مهم زیارتی تهران به مشهد را مهیا می‌کردند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۰-۲۳۱). در این شرایط، بخشی از محتوای عریضه‌های زوار هندی، اشاره مکرر به سرقت و نامنی جاده‌ها و از دست رفتن دارایی‌های آن‌ها است (ساکماق، ۲۳۷۹۳/۹، ۲۴۰۴۰/۲۳).

دیگر مشکل بیشتر زوار از جمله زوار هندی، بیماری بود. جان ویشارد^۱ که در ۱۸۹۰-۱۹۱۰ م/۱۳۰۷-۱۳۲۷ ق در ایران بوده، معتقد است: «این سفرهای طولانی، کسل‌کننده و خستگی‌آور برای آدم‌های مقاوم و خوش بنیه هم گرفتاری‌هایی به وجود می‌آورد. در فصل تابستان بسیاری بیمار می‌شوند» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۳۹). با توجه به این وضعیت است که، زائر هندی به نام «زهرا پیشاوری» در عریضه‌اش اشاره دارد که وی همراه با همسرش و چهار نفر دیگر در مریض‌خانه بستری هستند (ساکماق، ۲۳۸۵۶/۱۹). البته این زوار در بیشتر موارد، خود ناقل بیماری‌ها بودند. فریرز^۲ در ضمن شرح وقایع سال ۱۲۳۷ ق، اشاره

جغرافیایی زائر تا مشهد در کنار سابقه تشیع در آن منطقه توجه نمود.

که در بررسی نسبت بین تعداد زوار هندی مشهد با مبدأ جغرافیایی آنان در دوره قاجاریه، باید به عواملی چون فاصله خاستگاه



نمودار ۹. خاستگاه جغرافیایی زوار هندی در دوره اول و دوم.

صورت انفرادی و گروهی راهی مشهد شده‌اند، مشکلات مختلفی چون بیماری و مرگ بستگان و سرقت اموال در بین راه یا در هنگام استقرار در این شهر پدید آمده است. زنان و مردان زائر هندی که مشهد را به عنوان مقصد سفر زیارتی انتخاب کرده و یا می‌خواستند از آنجا راهی شهرهای مذهبی بین‌النهرین شوند، در چاره‌اندیشی برای رفع مشکلات سفر و کاستن از آلام خویش، رویه مرسوم عریضه نویسی به متولیان آستان قدس رضوی را مد نظر قرار داده‌اند. این مکاتبات که در مرکز اسناد آستان قدس رضوی حفظ شده، روشنگری‌های ارزنده پیرامون جوانب مختلف این مسافران ارائه می‌نماید.

مطابق مندرجات این اسناد، همراه برخی از مردان و زنان زائر، شماری کودک نیز سفر کرده‌اند. این سفرها، ظاهراً در ماه‌های مختلف سال صورت گرفته و تفاوت آب و هوا از عزم افراد برای این سفر نکاسته است. برخی از این زوار، ابتدا به عتبات مقدسه عراق و یا حج رفته و سپس به مشهد می‌آمدند و یا از مشهد به آنجا می‌رفتند. باوجود غلبه قصد زیارت، تعداد کمی از زوار به تحصیل در مراکز علمی و دینی مشهد و یا اشتغال در این شهر هم پرداخته‌اند. جمعیت زوار هندی از حیث پایگاه اجتماعی و وابستگی گروهی، متنوع بود و شامل مردم عادی، غلام آزاد شده، شاهزاده، سادات، ملایان و درویش بودند. خاستگاه جغرافیایی و مبدأ سفر این زائران مشتاق زیارت امام رضا(ع) نیز، متنوع بود و

نتیجه‌گیری

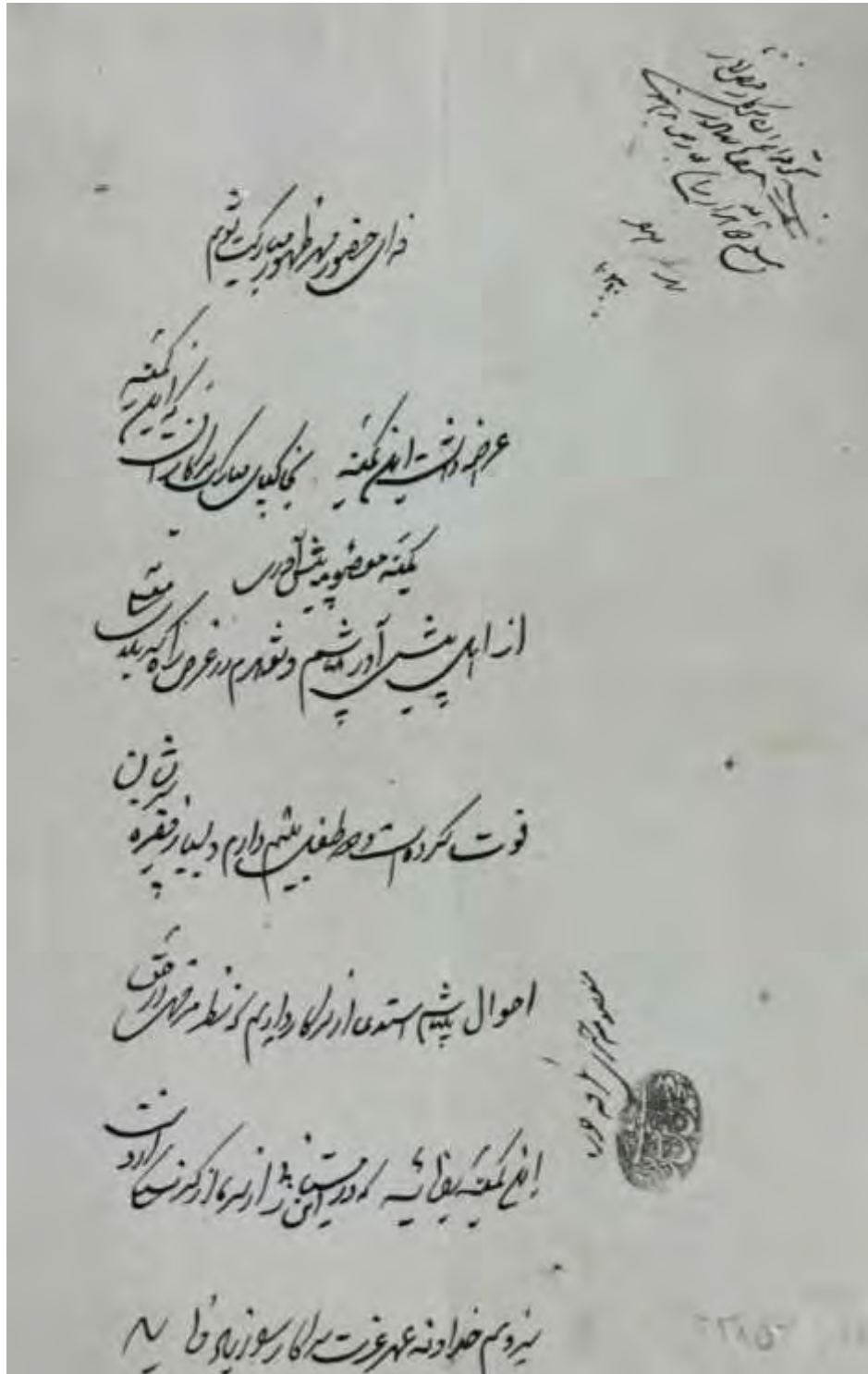
روابط سیاسی دیرینه ایران و هند، در دوره‌های مختلف، همراه با فراز و نشیب‌هایی بوده است. اما ارتباطات فرهنگی و مذهبی مردمان دو سرزمین، باوجود برخی مناقشات سیاسی حکمرانان دو کشور و استقرار مقطعی حکومت غیرمسلمان انگلستان در هند، کمابیش ادامه داشت. حضور زوار هندی در ایران دوره قاجاریه، یکی از مظاهر استمرار این ارتباطات فرهنگی و مذهبی ایران و هند است. گسترش تشیع در شبه‌قاره هند، حضور شمار قابل‌توجهی از ایرانیان مهاجر در این سرزمین، وجود سادات و صوفیان علاقه‌مند به اهل بیت و امامان شیعه در هند، روابط گسترده و نسبتاً مستمر اقتصادی ایران و هند، همجواری ایران و هند، سابقه طولانی زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در شبه‌قاره هند، قرار داشتن بارگاه امام رضا در ایران و نیز بارگاه چندین امام شیعه در کشور همسایه ایران قاجاریه یعنی عثمانی، از عوامل تداوم ارتباطات فرهنگی و مذهبی مردم ایران و هند در دوره بعد از ظهور اسلام بوده است. از مصادیق تداوم این ارتباطات در دوره قاجاریه، سفرهای زیارتی شمار قابل‌توجهی از مردم شبه‌قاره هند به مشهد بوده است.

یکی از منابع مهم برای بازنمایی ابعاد مختلف سفرهای زیارتی هندیان به مشهد در این دوره، اسناد مربوط به تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره قاجاریه است. بر اساس اطلاعات این اسناد در دوره حکومت قاجاریه، باوجود موانع و مشکلات مختلف، ۳۶۳ نفر زائر هندی به مشهد سفر کرده‌اند. برای زوار هندی که به

است. در بررسی عریضه‌ها توسط صاحب‌منصبان آستان و اتخاذ تصمیم و صدور دستور مقدار و نوع کمک‌ها، افزون بر چگونگی طرح مشکل در عریضه، عواملی چون پایگاه اجتماعی عارض، سفارش متنفذان و برخورداری زائر از عنایت حکمرانان قاجاریه، اثرگذار بوده است. به‌واسطه این قبیل عوامل اثرگذار، تنی چند از سادات زائر از چنان موقعیتی برخوردار شدند که افزون بر دریافت کمک‌های بیشتر یا اشتغال در حرم، امکان یافتند که بعد از مرگ خود و بستگان‌شان، در حرم دفن شوند.

مناطقى چون پیشاور، کشمیر، لاهور، بنگش، دهلی، حیدرآباد و عظیم‌آباد را در بر می‌گرفت.

از حواشی اندک ولی ارزنده موجود در خوانش این عریضه‌ها که مشتمل بر دستور متولیان و صاحب‌منصبان آستان قدس و تاریخ اقدامات است، به‌نظر می‌رسد که متولیان آستان بر آن بوده‌اند تا با اعطای کمک‌های نقدی و غیر نقدی، در جهت رفع پاره‌ای از مشکلات زوار گرفتار گام بردارند. نوع کمک‌های آستان به زوار هندی، گذشته از وجه نقدی که رویه غالب بوده، شامل مواردی چون گندم، نان، غذا، لباس و قبر مجانی در حرم بوده

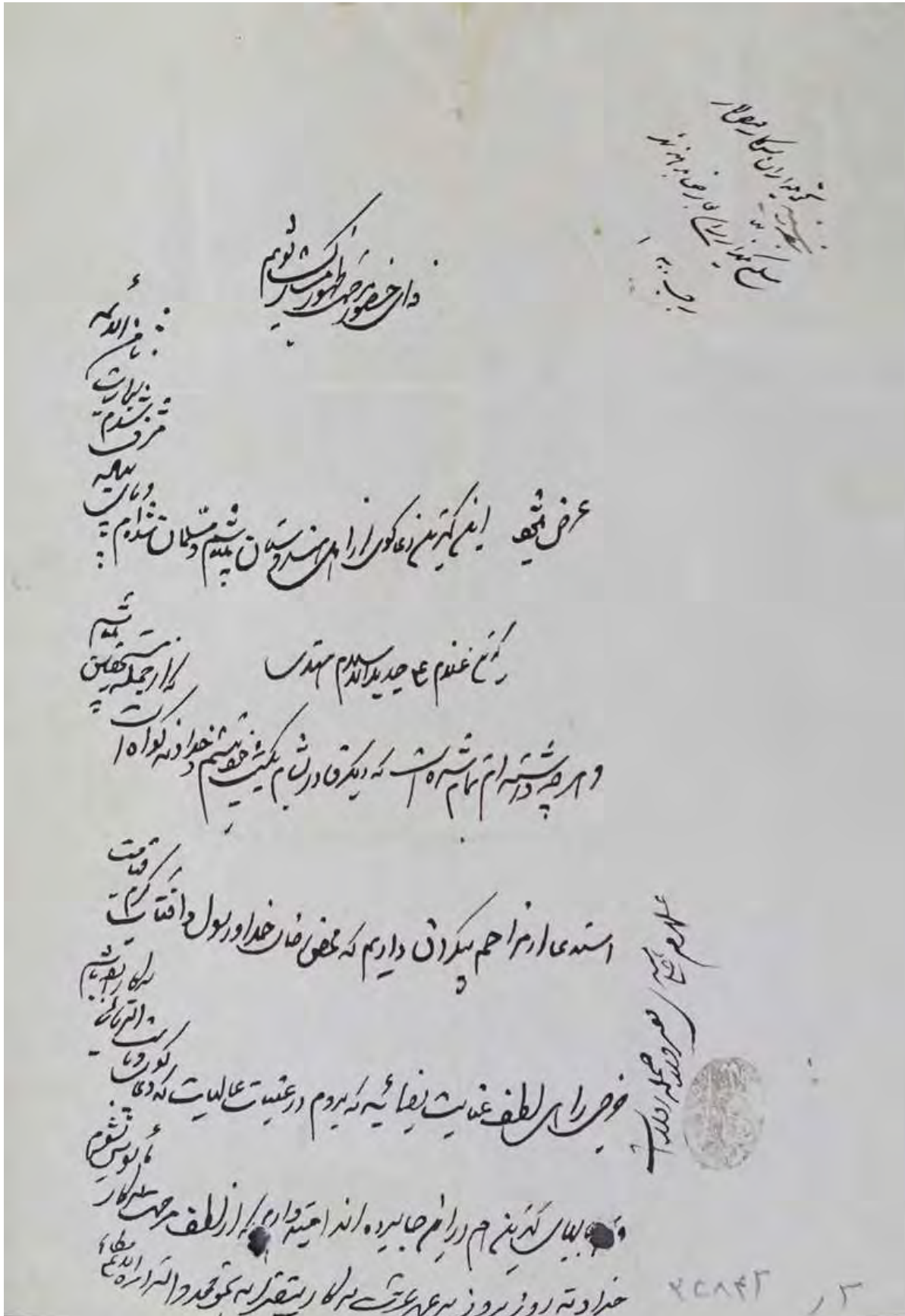


پیوست ۱. عریضه یک زن زائر هندی در سال ۱۳۰۰ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 عملت علی بن حنیف
 و رضوان علی
 اهل
 رز
 و منف
 قنای خاکینار جواهر آسار مبارکت شوی
 طرف هندستان بقصد آمدن به بوسرانما
 فدای علیهم السلام و به خیال در رس خوندن
 با مقید خداوند عالم آ صدیج بار خرافد سکا
 و آنچه رشیح تمام شده اصد و ار از حضرت
 والا و صیر و روضه فراه که اللفاف
 در حق فقرا بفرمان اید که زیار پریشان
 حال میری شیخ خدا را بحق حو از در امان
 و چهارده معصوم پاک و فتح مروج
 که روز بروز بر علم و عزت و حوریت
 سرکار بدینفقا بد چند کتاب بلکه
 از نظر حضرت حضرت والا روضه فراه

تاریخ روزهای پنجشنبه
 ۲۱۱۷۹۵

پیوست ۲. عریضه دو زائر هندی که به انگیزه تحصیل آمده‌اند در سال ۱۳۰۶ ق



پیوست ۳. عریضه غلام‌علی جدیدالاسلام هندی در سال ۱۳۰۰ ق



پیوست ۴. عریضه شاعر هندی در سال ۱۲۹۴ ق

منابع

حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۱). «بررسی تحلیل جنبه‌هایی از مصرف موقوفات آستان قدس رضوی در دوره صفویه». *پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*، سال اول. ص ۱۸-۱۶.

سوزوکی، شین جو (۱۳۹۳). *سفرنامه سوزوکی شین جو سفر در فلات ایران*. ترجمه هاشم رجب زاده. تهران: طهوری.

فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴). *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: توس.

کرزن، لرد (۱۳۴۹). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

لندور، آرنولد هنری سویچ (۱۳۸۸). *اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت*؛ «در سرزمین آرزوها». ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی. تهران: اطلاعات.

معین، محمد (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: گلی.

نظرزاده، محمد (۱۳۸۵). «کفشداری هندی‌ها». دفتر اسناد جلد دوم و سوم. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

نقدی، رضا (۱۳۸۵). *تاریخ و تشکیلات آستان قدس رضوی در عصر قاجار در مشهد*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.

نوروزی، جمشید؛ معزی، فاطمه (۱۳۹۶). «موانع و مشکلات حمل جنازه شیعیان هند به مشهد در اواخر دوره قاجار». *فصلنامه گنجینه اسناد*. سال ۲۷. ص ۹۹ - ۷۰.

ویشارد، جان (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*. ترجمه علی پیرنیا. تهران: نوین.

هدایت، رضا (۱۳۸۰). *روضه الصفاى ناصری*. مصحح جمشید کیان فر. جلد ۹. تهران: اساطیر.

بیت، کلنل چارلز ادوارد (۱۳۶۵). *سفرنامه خراسان و سیستان*. ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری. بی جا: یزدان.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق):

۲۳۸۵۶، ۲۴۲۳۹، ۲۴۴۳۶، ۲۴۰۴۲، ۲۳۷۹۳، ۲۴۰۴۰، ۲۴۲۴۲، ۲۳۸۵۶، ۲۴۱۷۸، ۲۴۱۷۰، ۲۴۷۲۳، ۲۵۷۷۷، ۲۳۷۹۱، ۲۴۶۲۱، ۲۳۹۳۴، ۱۱۷۹۴، ۱۲۱۲۶، ۱۱۹۴۵، ۱۱۹۷۸، ۱۲۰۷۶، ۱۱۹۵۳، ۱۲۲۳، ۱۲۱۴۷، ۲۰۳۹۳۰، ۲۳۹۷۳، ۲۴۰۴۰، ۱۱۹۴۹، ۱۳۶۵۶، ۶۳۲۵۸، ۲۳۷۹۳، ۲۴۰۴۲، ۶۲۱۷۶، ۳۴۹۷۷، ۴۰۳۱۲، ۱۴۱۷۵، ۳۸۰۶۷، ۲۳۴۳۶، ۲۴۱۷۰، ۲۳۷۹۹، ۲۳۷۹۱، ۲۳۸۵۶، ۲۳۹۰۹، ۲۳۵۶، ۲۳۵۲، ۲۳۴۶۶، ۲۴۰۳۸، ۲۴۲۳۸، ۲۴۱۷۹، ۳۸۶۶۳، ۱۸۶۷۴، ۳۹۲۷۶، ۲۰۵۷۱، ۲۳۸۴۲، ۲۳۳۳۸، ۱۲۲۲۳، ۱۲۲۹۰۳، ۹۶۸۴، ۱۶۵۵۱۱، ۱۶۶۷۶، ۹۷۵۶۴، ۲۵۷۷۷، ۲۵۷۳۶، ۲۵۸۳۰، ۲۵۸۳۴، ۲۵۰۹۳، ۲۵۷۲۸، ۲۵۷۳۶، ۱۲۱۲۶، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۹۷۰، ۱۹۳۴، ۲۹۲۰۹، ۱۴۱۷۵، ۲۴۸۴۳، ۲۳۶۱۴، ۲۴۹۷۹، ۲۴۲۹۱، ۲۳۷۲۱، ۲۳۷۲۰، ۶۲۱۷۶، ۲۴۱۷۳، ۲۴۲۹۶، ۲۴۶۲۱، ۲۴۲۷۷، ۲۳۵۷۴، ۲۳۶۶۴، ۲۳۷۲۰، ۲۴۶۷۴.

اللهیاری، حسن (۱۳۹۵). «تحلیل تاریخی مهاجرت سادات از ایران به هند در عصر صفوی؛ با تاکید بر تنش‌های درونی و بیرونی سادات». *پژوهشنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*. سال ۷. شماره ۲۸. ص ۲۲-۱.

افضل الملك کرمانی، غلامحسین (بی تا). *سفرنامه خراسان و کرمان*. بی جا: بی نا.

پولاک، ادوارد یاکوب (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*. ترجمه کیکاووس جهانگیری. تهران: خوارزمی.

پسندیده، محمود (۱۳۹۴). *اسناد و موقوفات مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

خانیکوف، میکولای ولادیمیروویچ (بی تا). *سفرنامه خانیکوف*، ترجمه اقدیس یغمایی و ابوالقاسم بیگناه. بی جا: بی نا.